

به بی در گذشت



حسین به بی دایره‌زن گروه موسیقی مقلسی بجنورد که در آلبوم «شب، سکوت، کویر» با کیهان کلهر و محمدرضا شجریان همکاری کرده بود، هجدهم اردیبهشت درگذشت. این هنرمند حدود یکسال در اثر سکته ناقص در بستر بیماری بود. به بی همراه با علی آنچه‌وری و عسی‌قلی پور معروف‌ترین گروه‌موسیقی شمال خراسان را تشکیل می‌دادند.

بیانوی معرفی



به تازگی آلبوم بیانوی۲ جواد معروفی از طرف شرکت آوا خورشید به بازار آمده است. این اثر سال‌ها پیش از طریق شرکت بهنپور در قالب صفحه به بازار آمده بود و حالا پس از سال‌ها آنها را روی سی دی در بازار می‌بینیم. در این آلبوم قطعات درخشانی همچون رویای جوان، خواب‌های طلایی، به نازنین سفر کرده، کوکو و آرزو گنجانده شده است.

غزل آوازهای ایرانی، آلبوم جدید علیرضا افتخاری

افتخاری میخکوب می‌کند

• مهدی ژاله شادان •

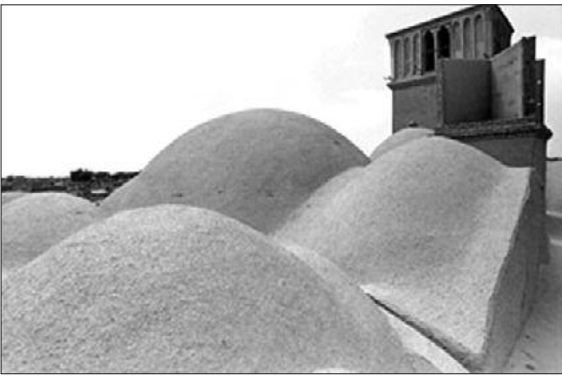
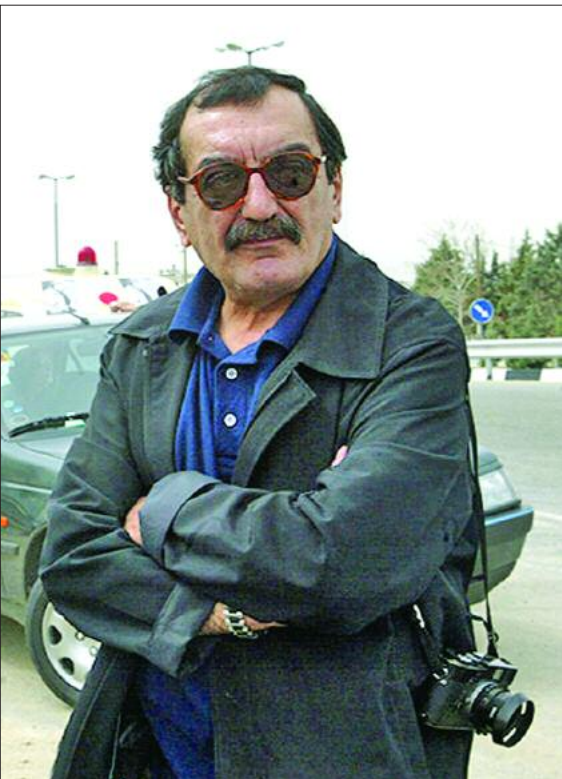


مرتب در قالب سه آلبوم منتشر می‌شود»
 بسا این اوصاف آوازخوانی افتخاری در این مجموعه مربوط به سالیان اخیر نیست و این می‌تواند نوید شنیدن اثری متفاوت و دلنشین را بدهد. چرا که در این سال‌های اخیر هرچه از افتخاری شنیده‌ایم ترانه‌های نه چندان قابل توجهی بوده که در واقع سختی بی آن آوازخوان می‌گردد به چندین سال پیش. تقریباً هم‌زمان با ضبط مجموعه‌های نیلوفرانه دو و شبان عاشق، در واقع ما یکسری آواز را ضبط کردیم که احیاناً برای نیلوفرانه دو یا شبان عاشق استفاده شود که البته این آوازها اضافه ماند و در آن مجموعه‌ها کار نشد.

گزارشی از نمایشگاه عکس بهمن جلالی در نگارخانه راه ابریشم

انگار همه خوابیم

• سما بابایی •



از فضای معماری آن را چون کاهی سبک در گستره سطح دید مخاطب قرار داده است. او البته خود درباره آنها می‌گوید: «این عکس‌ها علاقه‌مندی یک عکاس به یک نوع معماری از معماران گمنام است. نه می‌شود نام ماندگار بودن تصویر است. در اختیار دارند و می‌توانند زندگی و شرایط آنان را ثبت کنند تا نسل‌های بعدی خاطره بسیاری از امور را در ذهن خویش داشته باشند و از طرف دیگر به اندازهای نگلها به همه چیز سیاسی شده است که کسی به مسائلی از این دست نمی‌اندیشد و این بزرگ‌ترین خطری است که جریان‌های هنری با آن مواجه شده‌اند. ضمن اینکه تعویض

نموده و بسیاری‌شان نابود شده است. در عکس‌های پوشش نیز می‌توان فضا- مکان را به شکلی مشاهده کرد که دارای ابعاد ابعاد یک متر و ۸۰ در ۱۰۰ سانتی متر: عکاسی از این مناطق و خانه‌ها را قبل از انقلاب شروع کرد، در سال ۱۳۵۶ که تا سال ۱۳۷۰ ادامه داشت. این نمایشگاه پیش از این با نام «از خاک با خاک بر خاک» در چند کشور اروپایی به نمایش درآمده بود. مجموعه کاملی از معماری خاکی، اما حالا فضای محدود نگارخانه «راه ابریشم» تنها توانسته است ۱۴ قطعه از آنها را در خود جای دهد.»

«جلالی» در باره انگیزش‌اش از عکاسی این بناها می‌گوید: «تمام مصالح این خانه‌ها از طبیعت وام گرفته شده است و بار دیگر به طبیعت باز می‌گردد. این بناهای شگفت انگیز توسط معماران گمنامی ساخته شده‌اند که اگر چه اکنون هیچ نامی از آنان نیست، اما به شکل اعجاب‌انگیزی به تمام ظرفت‌های معماری آشنای بوده و آن را چنان ساخته‌اند که فضای خانه با دمای مناطق کویری هماهنگ باشد.»

این عکس‌ها از خانه‌های کاشان، کرمان و یزد هستند به همراه گورستان‌هایشان و کاروانسراهایی که روزگاری در این مناطق وجود داشته‌اند، «جلالی» در این نمایشگاه برای اینکه بتواند بعد و حجم بناها را نشان دهد و در عین حال کمپوزیسیون‌های جالبی ایجاد کند، خانه‌ها را از زوایای متعددی عکاسی کرده است. ضمن آنکه تلاش بسیاری به خرج داده است تا اهمیت محیط اجتماعی و جغرافیایی پیرامون بنا نیز برای مخاطب ایجاد کند: «زمانی که برای نخستین بار به این مناطق رفتم، این بناها برایم حیرت‌آور بود. به پشت بام این خانه‌ها که بروید، نظم و ترکیب فوق‌العاده‌ای در آن مشاهده خواهید کرد که در هیچ کجا نمی‌شود نمونه‌اش را مشاهده کرد. متأسفانه در حال حاضر بسیاری از این بناها تخریب شده‌اند و دیگر نمی‌توان آن زیبایی را در آن مشاهده کرد. برای مثال آمده‌اند و سقف خانه‌ها را عایق و به جای تک‌تیک «گل و خاک» از ایزوگام استفاده کرده‌اند که منظره وحشتناکی را به وجود آورده است.»

«جلالی» در این عکس‌ها کوشیده است تا با برخورد به ریتم و تکرار فرما و بهره‌گیری از سطوح و خطوط کلی بنا، ایده‌های معمار را بیان کرده و بدین ترتیب با مهارت و سلیقه‌اش عکس‌های زیبایی‌شناسی مخاطب را تحت‌تاثیر قرار دهد. گاهی با نزدیک شدن به سقف خانه‌ای در جرم آن اغراق کرده و زمانی با دور شدن

متفاوت ایرانی نظیر نوا، سه گاه، شور، دشتی، همایون، شوشتری و... اجرا شده. همچنین در این آوازها از اشعار عطار، حافظ، مولانا، صائب و... استفاده شده است. انطور که تهیه‌کننده و خواننده اثر ادعا دارند کار

به لحاظ اجرای خواننده و نوازندگی هنرمندان شکل بسیار کاملی دارد. به‌گونه‌ای که چاشنی ادعا می‌کند انتشار این مجموعه اساتید موسیقی اصیل را غافلگیر خواهد کرد و افتخاری نیز اعتراف می‌کند از بدو شروع به کارش تا به حال چنین اثری از او منتشر نشده است که این چنین با حس و حال و عمیق بوده باشد. افتخاری حتی می‌گوید با انتشار این کار دیگر خوانندگان متوجه خواهند شد که می‌شود این گونه هم آواز خواند!

البته علیرضا افتخاری در غافلگیر کردن مخاطبان تبخیر خاصی دارد. چه آن زمان که با فریدون خوشنود سه گانه شکوه عشق، عطر مهر و عاشقا سلام. را کار می‌کند، چه آن زمان که در آلبوم ماه پنهان تک آهنگی از خوشنود را می‌خواند و چه آن زمان که روی آهنگ‌های آلبوم نسیم، ترانه‌های جدیدی را در قالب آلبوم خاطرات جوانی خواند. در این زمانه هم که تقریباً تمام علاقه‌مندان‌اش از او قطع امید کرده بودند، اثری بدیع و متفاوت از خود عرضه خواهد کرد.

عرضه خواهد کرد. کسی چه می‌داند، شاید بازخورد این اثر در تغییر نگرش او در خوانندگی هم تاثیر بگذارد. به هر حال مجموعه غزل آوازهای ایرانی، در قالب سه آلبوم به بازار عرضه می‌شود که هم به صورت پک و هم جداگانه قابل تهیه خواهد بود. این اثر به احتمال فراوان تا اواخر بهار روانه بازار خواهد شد.

شب عاشقان که اتفاقاً آنها نیز به‌صورت بداهه بوده است، نقش برجسته‌ای داشته و عندلیبی نیز به جز نوازندگی‌های فراوان در دیگر مجموعه‌ها برای افتخاری، در اثر موفق‌ی چون مهمان تو، به عنوان آهنگساز با او همکاری کرده است. زنده یاد سهیل ایوانی نیز در آلبوم زیبای سرزمستان تنظیم برخی از قطعات را برعهده داشت.

تهیه‌کننده مجموعه غزل آوازهای ایرانی موسسه مشکلات است که به دلیل وقوع مشکلات شخصی برای مدیر

آن، محمدعلی چاوشی، در این سال‌ها بسیار کم کار و غیر فعال است. پیش از این آثار ماندگاری چون نیلوفرانه‌های یک دو، سرمستان، گل هزاربهار و شبان عاشق، با صدای افتخاری، توسط موسسه مشکلات منتشر شده است.

اما چنان که محمدعلی چاوشی تهیه‌کننده اثر می‌گوید این آوازها در قالب بداهه‌خوانی و البته به حالت تصنیف‌گونه و ملودیک و در دستگام‌ها و گوشه‌های

گذاشته شده‌اند. او سال گذشته آنها را در اسپانیا به نمایش گذاشت که با استقبال فراوانی روبه رو شد. در آن نمایشگاه، موسسه «تاپیس» اسپانیا با گردآوری بیش از ۵۰۰ قطعه عکس از دوره‌های مختلف کاری بهمن جلالی و انتشار مجموعه آثار وی در کتابی ۳۰۰ صفحه‌ای، بسیاری از عکس‌های این هنرمند را برای اولین بار به نمایش در آورد. این کتاب که با عنوان «مجموعه آثار بهمن جلالی» توسط برگزارکنندگان این نمایشگاه به سه زبان اسپانیایی، انگلیسی و فرانسوی تدوین شده بود، در عین حال مصاحبه‌های کامل با این هنرمند انجام داده و مقالات، تحلیل‌ها و یادداشت‌هایی از منتقدان بین‌المللی در آن آمده بود. در نمایشگاه اسپانیا ضمن به نمایش در آمدن عکس‌هایی که هم اکنون بخشی از آنان در «راه ابریشم» به نمایش گذاشته شده‌اند، عکس‌هایی دیگر از معماری پوشهر، ماهیگری‌ها، بلوچستان، عکس‌های جنگ و انقلاب، عکس‌های قاجار و برتره نیز به نمایش گذاشته شده بود. «جلالی» درباره آن نمایشگاه می‌گوید: «نمایشگاه بارسلون یکی از مهم‌ترین اتفاقاتی بود که در زندگی حرفه‌ای من رخ داده است. فکر می‌کنم که این مساله برای هر عکاسی به همین اندازه اهمیت داشته باشد که پشتل سال تلاش کند و موسسه مهمی چون تاپیس مروری بر آثارش داشته باشد. تنها تاسف من این است که تا کنون موفق نشده‌ام این مجموعه را در ایران به نمایش بگذارم و متأسفانه انگار این مساله برای هیچ کس اهمیت ندارد. حتی وقتی مرور آثار من در خارج از کشور انجام می‌شود، هیچ کس از سفارتخانه ایران برای بازدید نمی‌آید.»

او از کوچک بودن فضای نگارخانه‌ها در ایران می‌گوید و اینکه گالری‌های بزرگ در دست دولتی‌هاست و وارد شدن به آن و به نمایش گذاشتن آثار آن به آسانی امکان‌پذیر نیست. این البته تمام آن چیزی نیست که «جلالی» در تازه‌ترین نمایشگاه خود عرضه کرده است. او تعدادی از عکس‌های قاجار خویش را نیز به نمایش گذاشته است. تصویر زنتی که بدنشان با قبایه‌های خرید و فروش زمین ترکیب شده و بدین ترتیب با ظرافت جایگاه زن در آن دوران را که چون کالایی خرید و فروش می‌شده، به تصویر کشیده است.

بخش دیگری از نمایشگاه که به کارهای «پست مدرن» جلالی اختصاص دارد، «پنه»‌ها هستند که می‌توان در آنان «بازی زمان» را مشاهده کرد. اتصال زمان گذشته به حال. «جلالی» در این بخش تعداد زیادی آینه‌های برجی را به جای قاب گذاشته استفاده کرده، پشت آنان را به وسیله اسید شکافته و عکس‌ها را طوری در آنان قرار داده که گویی آدمی در ۱۰۰ سال پیش مشغول نگه کردن خود در آن است و هنگام مشاهده عکس تصویر مخاطب نیز در آنان نقش می‌بندد و اینگونه است که تصویر دوانسان از دو قسرن متفاوت روی این آینه‌ها قرار می‌گیرد. در این بخش عکس با آینه ترکیب شده و مخاطب با عکس: «هن در این عکس‌ها، به عکس که به عنوان جسمی که در آن معنایی نهفته است، نگاه کرده‌ام و بدین ترتیب زمان گذشته را از طریق عکس‌ها به زمان حال متصل کردم. این عکس‌ها چیزی نیست که یک شبیه به وجود آمده باشد، من سال‌ها عکاسی کردم و از یک نوع عکاسی گذشتم و حالا می‌توانم عکس را بسازم.»



آلبوم لهراسی در راه

علی لهراسی خواننده جدی و مطرح پاپ به زودی آلبوم سومش را به بازار خواهد فرستاد. او در این آلبوم با دوست و همکار این سال‌هایش بهروز صفاریان همکاری داشته و علاوه بر او محسن یگانه، شهاب اکبری و مهدی یراحی با او همکاری داشته‌اند. ترانه‌سراهای این آلبوم هم مونا برزویی، روزبه بمانی و محسن یگانه هستند.

قاب

به مناسبت اهدای جوایز هفته گرافیک

عینیت‌های استعاری

• حافظ روحانی •

می‌توان این چنین تصور کرد که نخستین رویکرد هیئات داوران به آثار ارائه شده به هفته گرافیک، «همه‌فهمی»‌شان بوده است. پس بیهوده نیست که این آثار، به عنوان برندگان اعلام شده‌اند، چون به‌زعم اعضای هیئت داوران، گویا همه آثار برنده شده، حتماً همه فهم بوده‌اند، به آسانی خوانده می‌شوند، و یکسره موضوع‌شان را بازتاب می‌کند با حداقل کوشش، جهت پیچیدمایی، غریب‌کردن یا فرمالیستی بودن به مفهوم غالب شدن فرم بر مفهوم، بل، سلاکی، سهولت و با اندک مایه‌ای از طنز و بازمزگی.

پس طبیعی است که همه آثار برنده شده کم و بیش با عناصر آشنا کار می‌کنند، چه آشنا بودن عناصر و موتیف‌های بعدی به ساده‌ترین روش مانع از تخریب شدن فضای اثر می‌شوند بلکه برعکس مستقماً ما را متوجه دست‌یافتنی بودن دستسفر هر اثر می‌کند که این خودش باعث افزایش امکان ارتباطی می‌شود.

از قوطی کوکاکولا گرفته، تا استخوان‌ماهی، یا سطل زباله‌های شهرداری همگی عناصر بعدی ثبت شده‌ای در حافظه بعدی‌مان است. پس ادراک مفهوم پوستر یا هر مدیون گرافیکی دیگر را برایمان سهل‌تر، دوست‌داشتنی‌تر و جذاب‌تر می‌کند.

اما از سویی دیگر هر کدام از ۴ اثر برنده شده در جشن عینیت‌سازی استعاره‌هاست، که مایه‌ای از شوخ‌طبعی را نیز در خود نهان دارند که واضح‌تر است و گاه نهان‌تر.

بخش «بیرون گذاشتن زباله‌ها از منزل ساعت ۹ شب» اثری از خنم رامین‌نقیون برنده جایزه اول است. این اثر شامل یک ساعت بزرگ شمشادبار خنک که جای کوبه‌های رنگش را یک سطل بزرگ شهرداری و کیسه‌ای زباله گرفته است و خود ساعت، ساعت ۹ را نشان می‌دهد. در بخش «تکنیک زباله‌های خشک و تر در مبدا» دو اثر مشترک را برنده جایزه اول شدند. در اثر آقای ناصر نصیری بیشتر تاکید طراح، بر ساختن یک نشانه بوده است. ایده‌های طرح، سرهم کردن دو کلمه متضاد، «خشک» و «تر» و نوشتن‌شان به صورت «خشک‌تر» بوده است که قیجی‌ای آنها را از هم جدا می‌کند. خود طراح اصرار دارد که مفهوم این نشانه را می‌توان گستره تردید، چون مفهوم خشک و تر به قول خود ایشان حاصل مجاز برآمده از ضرب‌المثل «هیروز خشک و تر» است. پس با این تعبیر می‌توان مفهوم حاصله را حتی کلی‌تر از مفهوم ارائه شده در غایت کالا به صورتی کلی‌تر نیز تعبیر کرد. جدایی همیشگی این دو مفهوم، به‌عنوان یک گزاره خاکی و نه صرفاً به مفهوم سادنده‌جسادی زباله‌های خشک از آن

در عوض دیگر برنده این بخش، آقای پیمان پورحسین، بخش عمده تلاش‌اش برای طراحی یک پیکتوگرام (نشانه بعدی) بوده است. کوشش ایشان بیشتر مودک بر مراحل طراحی و ساختن این نشانه بوده است و کوشش برای خلق یک مجموعه واحد که از عناصری واحد الهام می‌گیرند که حاصل این شکل‌گیری مجموعه‌ای است که به واسطه داشتن منشا مشترک، متجانس هستند. حاصل طبیعی دست یافتن به چنین تجانس بعدی‌ای رسیدن به یک زبان قابل تشخیص و استاندارد برای طراح و البته برای بینندگان است که با اثر فوق مواجه می‌شوند و البته امکان ساختن اشکال و گونه‌های منتقدانه این سرچشمه اصلی است که گونه‌های تضابط بعدی به آثار مختلف شکل گرفته‌می‌دهد.

در نهایت در سومین بخش، «کلستن حجم زباله» آقای علیرضا نبینی جایزه را کسب کردند اثر ایشان، قوطی کوکاکولایی است که فشرده شده است و متزی که کم شدن طول قوطی را نمایش می‌دهد. در اینجا استعاره کلستن حجم زباله‌ها تبدیل به یک تصویر شده است، ساده شده است، اما قابل درک باشد. این اثر نیز ت تک شده است، تنها قوطی است که به واسطه رنگ قرمز تندش در اثر خود را نشان می‌دهد و توجه را جلب می‌کند. به واسطه عمودی بودن کل طرح این شکل اجرایی بیشتر مناسب پوستر است و به‌زعم نگارنده بهترین شیوه ارائه این اثر که در صورت پوستر است، تاثر و فکر مرکزی خود را بیان کند و معنی را خلاصه شده و طرز ارائه به بیننده برساند.